

مرکز پژوهشها «مجلس شورای اسلامی»

عرضه آن را جبران نمی‌کند. این گفته صحیح نیست، زیرا هزینه تولید و صدور نفت حتی با انتخاب پرهزینه‌ترین گزینه یعنی عبور از طریق بسلکو - جیحان، کمتر از ۱۲ دلار در هر بشکه برآورد می‌شود.

۲- غارت ثروت ملی

گفته شده تا آنجا که مقدور است از فروش نفت خام خودداری کنیم و با تبدیل نفت خام به فرآورده‌های متنوع می‌توان جلوی این غارت ثروت ملی را گرفت. این گفته با توجه به نکات زیر صحیح به نظر نمی‌آید.

الف - نفت خام مانند هر متاع دیگر از قبیل: آهن، مس، زغال سنگ، اورانیوم و ... در صورت وجود اضافه تولید با رعایت نیاز داخلی در دراز مدت و دارا بودن بازار باید با قیمت صحیح عرضه شود و به فروش رسد. چنانچه نفت خام براساس صحیح و صیانت کامل مخزن و رعایت کلیه نکات فنی تولید شود، ضمن انتقال و بهبود تکنولوژی، کمک به تولید ناخالص داخلی و ایجاد اشتغال، از محل درآمد حاصل می‌توان پروژه‌های ملی را اجرا نمود.

هزینه تولید در اکثر مخازن کشور زیر ۲ دلار در هر بشکه و مایه فروش آن در مقطع زمانی طولانی بالای ۱۴ دلار در هر بشکه است. آیا استفاده صحیح از این درآمد، غارت ثروت ملی است؟

ب - ذخایر قابل استحصال نفت در ۳۵ سال پیش حداکثر ۶۵۰ میلیارد بشکه برآورد شده بود، در حالی که در ۲۰ سال گذشته، تولید و مصرف نفت بیش از ۵۰۰ میلیارد بشکه بوده است. ذخایر قابل استحصال امروز بیش از ۱۰۰۰ میلیارد بشکه برآورد می‌شود. در ضمن باید در نظر داشت که هزینه تولید نفت از منابع دریایی و همچنین نفت‌های سنگین و قیر در سال‌های اخیر بسیار کاهش یافته است و این روند ادامه دارد. این در حالی است که ذخایر و منابع نفت‌های سنگین و قیر چندین برابر نفت خام است.

ج - پالایش نفت خام به فرآورده‌های مشتق از آن از قبیل بنزین، موتور، نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره، نیاز به سرمایه‌گذاری بالا داشته و هزینه تبدیل نفت خام به این فرآورده‌ها به طور متوسط حدود ۵ دلار هر بشکه می‌باشد. در مقابل، تفاوت قیمت متوسط فرآورده‌ها و نفت خام معمولاً از ۵ دلار هر بشکه تجاوز نمی‌کند و بنابر این فروش فرآورده‌های مشتق از نفت خام به جای نفت خام، به غیر از مزایای ایجاد اشتغال، ارزش افزوده و غیره، کار پر درآمدی نمی‌باشد.

در ضمن یادآوری می‌شود، کشورهای پیشرفته صنعتی که مصرف‌کنندگان عمده فرآورده‌های مشتق از نفت خام هستند، به دلایل مختلف از جمله کارایی بالاتر و تکنولوژی برتر و مزایای اقتصادی، ترجیح می‌دهند که یک محصول یعنی نفت خام (به جای چند محصول) را وارد کنند.

د - نفت خام فقط ۴۰ درصد انرژی مورد نیاز جهان را تأمین می‌کند و در صورت عدم عرضه آن، مصرف بقیه حامل‌های انرژی از قبیل زغال سنگ، سوخت هسته‌ای، نفت‌های سنگین و قیر و همچنین انرژی‌های تجدیدپذیر یا باصطلاح نو (خورشیدی، باد، بیوماس، هیدروژن و ...) افزایش یافته و جایگزین نفت می‌شود.

۳- گفته شده است که به جای صادرات نفت باید اقتصاد صنعت نفت را رشد داد. این گفته روشن نیست ولی اگر منظور از آن استفاده مبنی از هیدروکربورهای تولیدی در کشور باشد کاملاً صحیح است. برخی از هیدروکربورها مانند متان، اتان، پروپان و بوتان که در شرایط متعارف به صورت گاز هستند، صدور آنها مستلزم سرمایه‌گذاری

نفت و اقتصاد درآمد

تحلیلی بر گفت و گوی تپه طلایی

تحلیلی بر مقاله "تپه طلایی" در مجله چشم‌انداز، شماره دوم، مهر و آبان ۱۳۷۸ گفت‌وگو با آقای دکتر رئیس طوسی (صفحات ۲۴ تا ۲۷). بخشی از گفت‌وگو با آقای دکتر رئیس طوسی در مجله چشم‌انداز، درباره منافع ملی ایران و مزایای اقتصادی - سیاسی عبور نفت کشورهای ساحلی دریای خزر از طریق ایران برای صادرات است. لذا ابتدا مزایای فنی، اقتصادی، سیاسی و ایمنی و تبعات آن به اجمال توضیح داده می‌شود:

الف - براساس اطلاعات موجود، نفت قابل صدور از سه کشور ساحلی دریای خزر، شامل قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان در سال ۲۰۱۰ حدود ۲/۶ میلیون بشکه در روز است.

ب - با توجه به تسهیلات موجود در کشورمان و امکان بخشی از نفت دریافتی، سرمایه‌گذاری اضافی برای صدور نفت کشورهای ساحلی دریای خزر از طریق ایران، احتمالاً از ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری بهترین گزینه از مسیرهای دیگر کمتر است. درآمد حاصله از حق ترانزیت و مزایای بالغ بر ۱/۹ میلیارد دلار در سال است.

ج - دسترسی به ۲/۶ میلیون بشکه نفت در روز حتی در سال ۲۰۱۰ نزدیک ۳ درصد مصرف کل جهان خواهد بود. اختلال یا توقف در جابه‌جایی این مقدار نفت و درآمد حاصله برای کشورهای صادرکننده از بُعد سیاسی و اقتصادی اهمیت و تبعات فراوان دارد. حال تحلیل گفته‌های آقای دکتر رئیس طوسی.

۱- قیمت نفت زیر ۲۰ دلار هر بشکه

گفته شده است که صدور نفت از کشورهای ساحل دریای خزر در صورت کاهش قیمت به زیر ۲۰ دلار هر بشکه، هزینه‌های تولید و

با کمال تأسف باید اذعان کرد که نیروی متخصص محدود موجود در کشور، به علت عدم ارائه کار از طرف سازمان‌های مربوطه وزارت نفت به آنها در حال نابودی است و چون ساختار کنونی صنعت نفت فاقد این استعدادهاست یا در صورت وجود، زمینه پرورش آنها فراهم نمی‌باشد؛ لذا در آینده، ناظر وابستگی و اتکای بیشتر به شوکت‌های خارجی در صنعت نفت خود خواهیم بود.

موضوع حائز اهمیت برای یادآوری این است که کشورمان علی‌رغم داشتن سابقه نزدیک به یک قرن در تولید نفت یا صنعت نفت، هنوز برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفت و گاز محتاج به تکنولوژی، سرمایه و نیروی انسانی شرکت‌های خارجی است. برای این که این روند تداوم نیابد، لازم است در نحوه کار تجدیدنظر شود

زیاد و پرهزینه است. هزینه صدور این نوع هیدروکربورها به اروپای غربی، خاور دور یا آمریکا بین ۳ تا ۷ برابر نفت خام یا فرآورده‌های مشتق از آن می‌باشد. بنابر این، استفاده از فرآورده‌های مشتق از نفت خام برای تأمین انرژی مورد نیاز کشور یا حتی تبدیل آن به فرآورده‌های پتروشیمی، سودآور نبوده و استفاده همینه از هیدروکربورهای تولیدی محسوب نمی‌شود. ولی در مقابل، چنانچه از هیدروکربورهای که ارزش صادراتی (NETBACK) آنها در شرایط قیمت پایین نفت خام (مثلاً زیر ۱۶ دلار برای هر بشکه) صفر بوده یا بسیار پایین باشد برای تأمین انرژی یا تبدیل به فرآورده‌های پتروشیمی استفاده شود، از لحاظ اقتصادی توجیه‌پذیر بوده و استفاده همینه از ثروت ملی خواهد بود.

۴- گفته شده است که برای افزایش تولید نفت به ۵ میلیون بشکه در روز، نیاز به ۷۰ میلیارد دلار سرمایه وجود دارد و در ادامه آمده است که برای افزایش تولید از ۳ میلیون به ۵ میلیون بشکه ۳۷ میلیارد دلار سرمایه نیاز است. همچنین گفته شده است که سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نفتی به مدت زمان حداقل ۲۰ و حداکثر ۵۰ سال نیاز دارد و نتیجه‌گیری شده است که کشورهای خارجی یک چشم‌انداز ۵۰ ساله را در نظر می‌گیرند و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ما باید منطبق بر نیازهای آنها باشد.

منابع این مطالب ذکر نشده و دلایلی هم برای اثبات آنها ارائه نگردیده است. مطالب بالا صحیح به نظر نمی‌آید، ولی موضوع حائز اهمیت برای یادآوری این است که کشورمان علی‌رغم داشتن سابقه نزدیک به یک قرن در تولید نفت یا صنعت نفت، هنوز برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفت و گاز محتاج به تکنولوژی، سرمایه و نیروی انسانی شرکت‌های خارجی است. برای این که این روند تداوم نیابد، لازم است در نحوه کار تجدیدنظر شود، توانایی‌های بالقوه داخلی را پرورش داده و شکوفا نماییم و امکان توسعه تکنولوژی و کار را به آنها بدهیم. با کمال تأسف باید اذعان کرد که نیروی متخصص محدود موجود در کشور، به علت عدم ارائه کار از طرف سازمان‌های مربوطه وزارت نفت به آنها در حال نابودی است و چون ساختار کنونی صنعت نفت فاقد این استعدادهاست یا در صورت وجود، زمینه پرورش آنها فراهم نمی‌باشد؛ لذا در آینده، ناظر وابستگی و اتکای بیشتر به شرکت‌های خارجی در صنعت نفت خود خواهیم بود.

۵- پیشنهاد شده است که شرایط ساده و ارزان‌تر برای ترانزیت نفت از طریق ایران به کشورهای ساحلی دریای خزر ارائه شود. اتخاذ چنین سیاست کاملاً منطقی و به جاست. شرایط ساده، انگیزه خوبی برای انتخاب گزینه راه عبور نفت از ایران خواهد بود و تردید نیست که بازگشت حالب توجهی در میان‌مدت و درازمدت خواهد داشت.